

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Pathology of Environmental Affordance Reduction due to the
Taste and Abnormal Physical Changes of the Environment
Case Study: Koohrig of Mehriz in Yazd Province, Iran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

آسیب شناسی کاهش قابلیت محیطی ناشی از تغییرات سلیقه‌ای و ناهنجار کالبدی محیط نمونه موردی: کوهریگ مهریز استان یزد

فرزانه‌السادات دهقان*

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران؛ مدرس دانشگاه، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۵ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۸ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: برخی از مناظر طبیعی یا شهری جمعی و قرارگاه‌های رفتاری آنان در اثر مداخلات و تغییرات ناهنجار انسانی در پیکره‌بندی کالبدی‌شان، با افت قابلیت‌های محیطی یا عدم توازن در میزان بهره‌مندی بین شهروندان مواجه هستند. در پاره‌ای از موارد، تغییرات محیطی علاوه بر کاهش کیفیت مکان با زوال منظر طبیعی و کالبد همراه است. بنابراین شناخت آسیب‌ها و ایجاد تطابق حداکثری میان الگوهای ذهنی و رفتاری شهروندان با محرک‌های محیطی و پیکره‌بندی کالبدی اثر، در تغییرات کیفی محیط امری ضروری است. کوهریگ مهریز استان یزد از جمله مناظر طبیعی‌ای است که تغییرات کالبدی آن باعث آسیب و تضعیف کیفیت و قابلیت محیط در این قرارگاه رفتاری، به‌خصوص برای گروه زنان، شده، درحالی‌که در سابق، قلمروی غالب این گروه بوده است.

هدف پژوهش: این مقاله سعی دارد دلایل و عوامل کاهش قابلیت، بهره محیطی و تناقضات میان قرارگاه رفتاری کوهریگ با رفتار نهادینه شهروندان را بررسی و راهکارهایی را ارائه کند. از این رو این پژوهش بر آن است چگونگی سازش میان الگوهای رفتاری متناقض با ماهیت محیطی و کاهش آسیب‌های کیفی و کالبدی آن را تبیین کند. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناسی صورت گرفته است. **نتیجه‌گیری:** گسست‌های محیطی شکل گرفته از اقدامات نابه‌جا، جداسازی و تمایزات ناگهانی فضاها و ایجاد لبه‌ها در کوهریگ، که در شرایطی متفاوت از فضای رفتاری و ذهنی درون‌گرای شهروندان و حتی منظر بکر قبلی است، موجب تضعیف قابلیت محیط و منظر آن شده است. تغییرات ناهنجار محیطی باعث مکث و ورود افراد شهروندان، به‌خصوص زنان، به حریم‌های ذهنی و تشدید معنای نهادینه ذهنی (چون درون‌گرایی، محرمیت، دیده‌نشدن و ...) و بروز رفتارهای مطابق با آن می‌شود. بدین منظور لازم است از تغییرات نامأنوس با ماهیت بستر پرهیز شود و گسست‌های محیطی حذف و تغییرات محیطی به تدریج به صورت کشش نرم در جهت ماهیت متفاوت برون‌گرایی جمعی تغییر یابد.

واژگان کلیدی: قابلیت محیطی، تغییرات ناهنجار کالبدی، تأمین حداکثر سازش، کوهریگ.

ذهنیات و رفتار نهادینه شهروندان که ناشی از دخالت انسان در پیکره‌بندی محیط است موجب کاهش قابلیت محیط و کیفیت آن شده است. کوهریگ مهریز یزد، یکی از

مقدمه و بیان مسئله
تناقضات بین قرارگاه‌های رفتاری و ماهیت محیطی با

*نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۷۷۶۰۵۹۶، fdb1111@gmail.com

تابستان و اوایل پاییز سال ۱۳۹۵ صورت گرفت. در هر مرتبه حضور در مکان مصاحبات و تجربه محیطی قبلی تحلیل و در مرحله بعدی مورد سنجش دقیق‌تر قرار می‌گرفت.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تا کنون موضع‌گیری‌های متفاوت و گوناگونی در ارتباط با نحوه ادراک و چگونگی رابطه انسان با محیط و قرارگاه‌های رفتاری بیان شده که پیشینه علمی آن به قرن پیش بازمی‌گردد. با توجه به آنچه در تعریف منظر آمده، یعنی پدیده‌ای عینی-ذهنی و پویا (منصوری، ۱۳۹۶)، کمتر می‌توان تنها به یکی از موضع‌گیری‌ها و نحوه ادراکات تکیه کرد و به عوامل مختلف در زمان، مکان و موقعیت‌های مختلف و حتی به نوع نگاه ادراک‌کننده نیز بستگی دارد. در تحقیق حاضر و نمونه کوهریگ، بررسی نوع رابطه با محیط و نحوه ادراک آن در ارائه راهکارهای نهایی براساس انگاره‌های موجود ماهیت محیط و رفتار شهروندان مؤثر است.

قابلیت محیطی مفهومی پدیده و سهل و ممتنع است. گیبسون (Gibson, 1979) قابلیت محیطی را چنین تعریف کرد: قابلیت‌های هر چیزی، چه مادی و چه غیرمادی یا بخشی از داشته‌های آن چیز که آن را برای موجودات قابل استفاده می‌کند. آنچه در نظر گیبسون است پیکره‌بندی کالبدی یک شیء یا یک مکان رفتاری است که آن را برای فعالیت‌های خاص قابل استفاده می‌کند (لنگ، ۱۳۹۱، ۹۱-۹۲). این مفهوم بعدها توسط افراد دیگر به واژه‌های دیگر نیز تعبیر شد. در کل این مفهوم برای بیان رابطه‌ای کیفی و تبیین رابطه الگوهای رفتار و محیط کالبدی به کار رفته است (همان، ۱۳۲). محیط دارای ویژگی‌های جغرافیایی، ساخته‌شده و فرهنگی است که با هم رابطه‌ای درونی دارند (Dubos, 1965). گیبسون (Gibson, 1966) بر آن است که تغییرات محیطی می‌تواند بر پایه مقاصد انسانی و پاسخ‌گویی بهتر محیط‌های جغرافیایی، زنده، فرهنگی و ... باشد که بازتابی از باورها، نگرش‌ها و امکانات زمانی خاص‌اند (به نقل از لنگ، ۱۳۹۱، ۹۳). این تغییرات در برخی محیط‌ها گاه براساس مداخلات نابخردانه و ناهنجار انسانی صورت می‌گیرد. در این میان، هرچه بین محیط کالبدی و رفتار درجه سازگاری بالاتری باشد، محیط از کیفیت بالاتری برخوردار است (Michelson, 1976). همچنین انطباق الگوهای جاری رفتار در محیط فیزیکی به میزان قابلیت ادراک‌شده توسط کاربران، قوای ادراک فردی و واکنش‌های انگیزشی آن‌ها در قبال قابلیت‌های محیطی در راستای ارضای نیازهایشان بستگی دارد (رضایی، کرامتی، مزین‌دهباشی و نصیر سلامی، ۱۳۹۷؛ کیایی، سلطان‌زاده و حیدری، ۱۳۹۸). با این تفاسیر، محیط رفتاری تصویر شناختی محیط عینی است که اساس رفتار را شکل

مناظر طبیعی واقع در حاشیه شهری مهریز، در سیر تعاملات انسانی خود در دوره‌های مختلف با دگرذیسی‌هایی همراه بوده و هم‌اکنون دچار چنین تناقضاتی شده است. تغییرات و مداخلات نابه‌جای صورت‌گرفته در کوهریگ موجب کاهش قابلیت محیطی و عدم توازن بین مخاطبین (به‌خصوص زنان) در بهره‌مندی از محیط شده است. این مسئله زمانی بااهمیت‌تر می‌شود که در سابق این مکان بیش‌تر در قلمروی غالب گروه زنان بوده است. از سویی دیگر، اقدامات ناهنجار صورت‌گرفته جاری‌شدن رفتارهای ارگانیک مردم را تحت تأثیر منفی قرار داده و همچنین موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر در کالبد و منظر طبیعی شده است.

ایجاد حداکثر سازش و هماهنگی میان رفتار شهروندان با قرارگاه‌های رفتاری از ملزومات برنامه‌ریزی، ساماندهی و طراحی محیط است که ضمن تأمین سلامت و پایداری دوسویه انسان و محیط، به گسترش قابلیت‌های محیطی و حداکثر بهره‌وری رفتاری از آن منجر می‌شود. بنابراین کشف رفتار نهادینه شهروندان، ماهیت محیط و قرارگاه‌های رفتاری، به‌خصوص در مناظر خاص و ویژه، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. زیرا گاهی تغییرات نابه‌جای انسانی در محیط علاوه بر کاهش رضایت‌مندی شهروندان موجب اضمحلال اثر می‌شود.

هدف این مقاله شناخت، آسیب‌شناسی و ارائه راهکار به‌منظور افزایش قابلیت محیطی و تأمین حداکثر تطابق میان قرارگاه‌های رفتاری با ذهنیت و رفتار شهروندان با بررسی نمونه کوهریگ است. پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است: پیشینه و رابطه تصویر ذهنی و رفتاری شهروندان با منظر کوهریگ چگونه بوده است؟

چه تقابل و تضادهایی میان قرارگاه رفتاری کوهریگ با رفتار شهروندان وجود دارد که موجب کاهش کیفیت منظر و قابلیت‌های محیطی و تشدید آنها شده است؟

فرضیه این پژوهش آن است که تغییرات سلیقه‌ای و ناهنجار در پیکره کالبدی منظر کوهریگ با ذهنیت و رفتار نهادینه شهروندان ناسازگار است و موجب کاهش قابلیت محیطی شده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، اکتشافی و پدیدارشناسی با مطالعات میدانی (تجربه، مشاهده و مصاحبه) و اسنادی صورت گرفته است. مصاحبات میدانی به‌صورت حضوری در مکان و پرسش‌های باز از مخاطبان و همچنین از برخی افراد محلی انجام شده است. تجربه عینی و شهودی درک حس مکان در زمان‌های پایانی در چهار هفته متوالی در اوایل فروردین ماه و همچنین زمان‌های پایانی در فصل

می‌دهد (Koffka, 1935). از طرفی یک قرارگاه رفتاری غنی و باکیفیت فرد را به رضایتمندی می‌رساند (Barker, 1974, 96-50). یک مکان رفتاری دارای توانمندی‌های بالقوه و تقریباً نامحدودی است که استفاده از آنها بستگی به نیازها، توانایی‌ها، تجربه و عوامل ذهنی نهادینه استفاده‌کننده و همچنین چگونگی ساخت و آرایش شکلی محیط بستگی دارد. این قابلیت‌ها هنگامی بالفعل می‌شود که در تعامل با رفتار استفاده‌کنندگان قرار گیرد (مطلبی، ۱۳۸۰، ۵۲-۶۷). بر همین اساس، فرض بسیاری از مطالعات محیطی چنین است که محیط کالبدی باید به خوبی به ساختار رفتار پاسخ دهد (لنگ، ۱۳۹۱، ۱۳۴). تبیین شخصیت منظر براساس مبانی رفتارشناسی موجب کاهش مداخلات سلیقه‌ای در کالبد (زندى، ۱۳۹۳، ۱۸-۲۳) و افزایش قابلیت محیط می‌شود. زیرا رفتار انسانی محصول درک و فهم کاربر از محیط، ذهنیات وابسته به آن و تفسیر او از آن است (براتی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۰، ۱۳-۱۹). قابلیت‌ها به همان اندازه که شهودی‌اند تأثیرگذار هم هستند (Ding & Lin, 2009, 75). قابلیت‌ها پدیده‌ای عینی-ذهنی‌اند و در وجود آن دوگانگی خاصیت عینی یا ذهنی ندارد؛ هم به محیط و هم به ناظر اشاره دارد (Gibson, 1979). قابلیت‌ها نه تنها اطلاعاتی برای ادراک محیط است، بلکه اطلاعاتی از آنچه محیط تأمین می‌کند نیز است و هم‌زمان بر ویژگی‌های ادراک‌کننده و ادراک‌شونده دلالت دارد (Dror, Harnad & Stevan, 2008, 140). به‌طور کلی، در قابلیت محیط لازم است به چگونگی تأثیرات و کارکرد جنبه‌های مختلف محیط انسان‌ساخت به‌مثابه قابلیت محیط در رابطه با کاربران و مشخصه‌های آنان، نظام فعالیت‌ها و هنجارهای مبتنی بر شیوه زندگی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ذهنی آنان پردازند (اسلام‌پور و دانشگر مقدم، ۱۳۹۱، ۷۳-۷۶). از این‌رو توجه به ابعاد عملکردی-فعالیتی، محیطی و کالبدی، فرهنگی-اجتماعی [و ذهنی و ادراکات فردی] در تبیین الگوهای رفتاری نقشی تأثیرگذار دارند (پاک‌نژاد و لطیفی، ۱۳۹۷، ۵۱-۶۶). بر این اساس توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌ها و رابطه آن با ویژگی‌های کاربران در هر محیط ضروری است و مستلزم توجه به زمینه و بستر طراحی، خصوصیات فیزیکی، رفتاری، ادراکی، جمعی و فرهنگی کاربران در طراحی فضای معماری بوده و طرحی مبتنی بر ماهیت بستر و زمینه را می‌طلبد (همان).

• تاریخ و سیر تعامل و ارتباط مردم با کوهریگ در گذر زمان

کوهریگ نظرگاه طبیعی و تاریخی-فرهنگی مهریز زاده کنار هم آمدن و امتزاج چند عنصر مهم کالبدی، ذهنی، ماورایی و اعتقادی است. شواهد منظرین کوهریگ و محدوده اطراف آن حاکی از گرایش بالا و ارتباطات معنادار مردم و باورهای آنان با این پدیده طبیعی، از زمان باستان تا به حال، است. شرایط خاص (کالبدی و غیرکالبدی) این پدیده و تصورات ذهنی، آیینی و باوری نهادینه مردم، موجب پیدایش داستان‌ها، اسطوره‌ها، باورها و حتی کراماتی درباره آن یا انتساب آن به خدایان و قدیسان شده است. امروزه با تغییرات، مداخلات و روحیه ایجادشده در کوهریگ و تغییر نگرش‌های مردمی از بعد بارز آیینی آن کاسته شده و رویکرد مراجعه مردم رنگ دیگری (چون منظر تفریحی، تماشایی، سلامت‌ساز و...) به خود گرفته است. مردم علی‌رغم تماشای منظر خاص و منحصر طبیعی، سودها و منافع را هنگام تعامل با این مکان می‌برند. این منافع و بهره‌وری، آگاهانه یا غیرآگاهانه، به‌صورت دریافت انرژی مثبت و تخلیه انرژی‌های منفی توسط افراد درک می‌شود. اغلب، تأثیرات این نوع حالات مثبت، سلامت‌ساز و منفعت‌طلبانه در انسان تقریباً مقارن با همان تأثیرات آیینی ارتقادهنده در گذشته بوده است که اینک با تغییر نگرش و باورهای شهروندان، حالات رفتاری مردم را دچار دگردیسی کرده است (دهقان و منصورى، ۱۳۹۷، ۳۵۵-۳۷۸).

• ساختار و ارتباط کوهریگ با شهر از گذشته تا حال و کنش‌های رفتاری

در گذشته حد فاصل شهر تا کوهریگ و منظر طبیعی، از یک سلسله‌مراتب فضایی با نظام ارگانیک برخوردار بوده است. طیف فضاها از شهر به سمت منظر طبیعی شامل بافت شهری، بافت شهری ارگانیک، باغستان، مزارع، منظر طبیعی کوهریگ و مناظر طبیعی بکر بوده است. بنابراین حدفاصل

شناخت کوهریگ، پیشینه و چگونگی رابطه آن با شهر و رفتار شهروندان

• آشنایی با پدیده کوهریگ و مشخصات عمومی آن
کوهریگ‌ها تراکمی از ماسه‌های بادی در دامنه کوه‌ها هستند که پیدایش آنها محصول چند منشأ است (مهرشاهی، ۱۳۷۹،

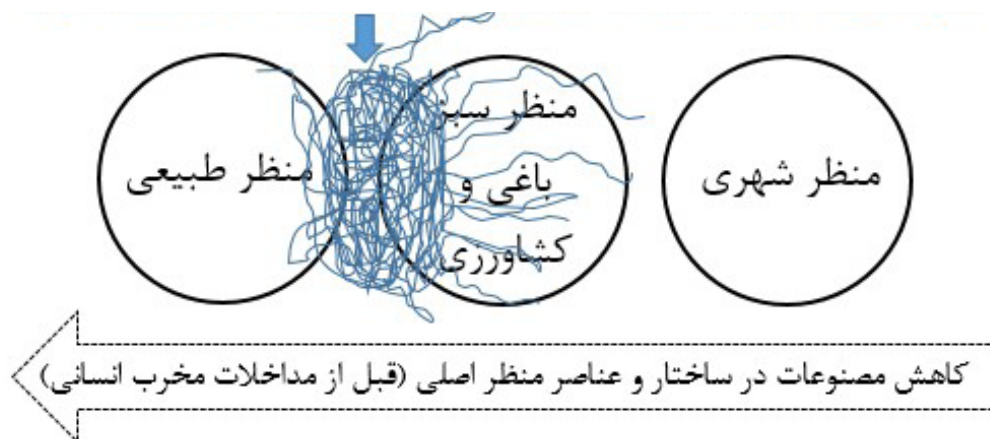
کمتر شدن جذابیت فضایی و همچنین منظر تماشایی در اثر گسست فضا و ورود ساختار و مصالح ناهمگون با بستر، ورود پاتوق‌ها و نقاط ناامن اجتماعی، آلودگی و عوامل مخرب زیست‌محیطی و غیره. تغییرات حاضر، علاوه بر کاهش کیفی محیط، منجر به زوال کوهریگ و فرسایش سریع ریگ‌ها نیز شده است.

• خوانش منظر شهر و درک کیفیت و روحیه تعاملات شهروندان

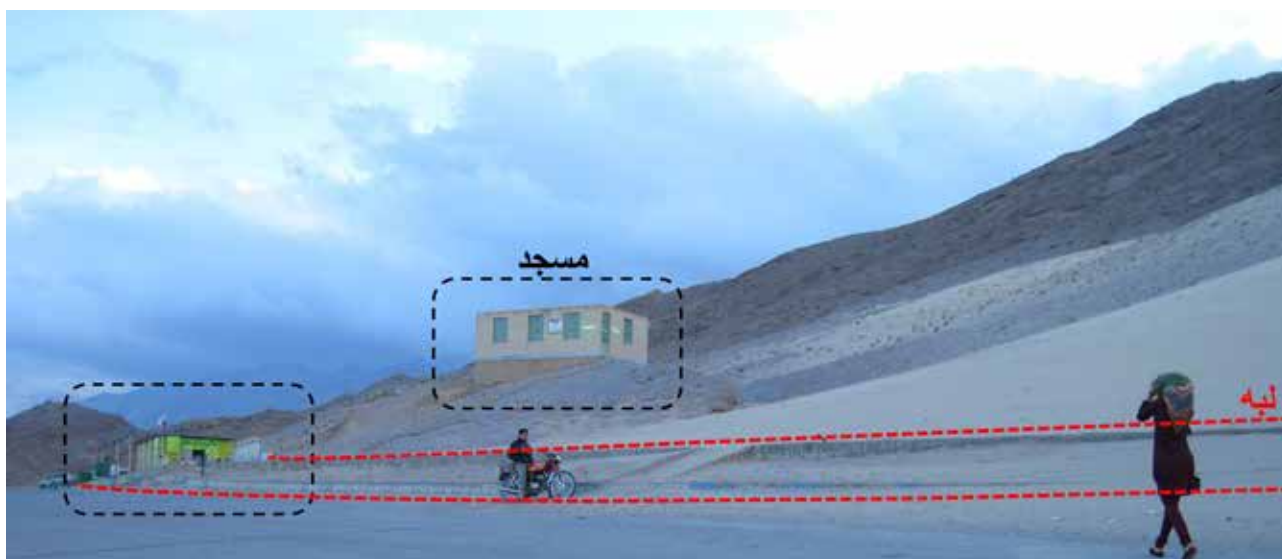
مکان‌های شهری بخشی از فضای انسان‌ساخت و حیات تمدن بشری هستند که حاصل تعامل عوامل رفتاری، ویژگی‌های کالبدی و مفاهیم قابل دریافت توسط انسان است (لنگ، ۱۳۹۱، ۱۵). خوانش شهر به‌منظور شناخت ادراک شهروندان، نحوه تعاملات رفتاری، اجتماعی، چگونگی فرهنگ، نگرش، و حتی روحیه افراد است. یکی از گام‌های مهم در شناخت شهر به‌منظور برنامه‌ریزی، ساماندهی و طراحی محیط‌های شهری و قرارگاه‌های رفتاری و جمعی، خوانش بستر شهری و مکان آن است. ساختار مکان بخشی از محیط جغرافیایی است که ابعاد فردی و اجتماعی، ویژگی‌های کالبدی-فضایی، فعالیت‌ها و تجربیات، و معانی را داراست (Relph, 1976; Rapoport, 1990). از سویی از نظر کمتر مکان مستقل و جدا از انسان نیست (Cassidy, 1997)، بنابراین شناخت ویژگی‌های شخصیتی، روانی و روحیه کلی آنان به‌عنوان بخشی از شهر به‌منزله شناخت بهتر مکان است. اگرچه انسان رفتارها و اعمال خود را با هر مکان تطبیق می‌دهد و ماهیت آن مکان عامل مهمی در فهم عمل است، اما نقش پیشینه ذهنی و تجارب گذشته افراد در دریافت حس‌ها و بهره از محیط مؤثر است (لنگ، ۱۳۹۱، ۱۵). طرح‌های ذهنی به اعمال انسان شکل می‌دهد (همان، ۱۰۷). تصاویر ذهنی پایه و اساس کنش و واکنش فرد با محیط می‌شود که البته با واقعیت انطباق کامل و دقیق ندارد (لینچ، ۱۳۷۴). منظر

منظر شهر تا منظر طبیعی، باغستان و مزارع بوده که به‌صورت مفصلی از عناصر طبیعی (با ساختار ارگانیک انسانی) سازگار با عوامل کالبدی و ذهنی بستر، بدون تعرض به حریم طبیعی کوهریگ عمل می‌کرده است. دخل و تصرفات غیرموجه و نامأنوس با بستر در پیکره کوهریگ محیط و حریم منظر آن، دیده نمی‌شد (تصویر ۱).

مردم خودبه‌خود در قبال محیط سبز پاسخ می‌دهند و جذب آن می‌شوند که این نوع جذب را «جذب نرم» می‌گویند (Kaplan & Kaplan, 1989). از آنجا که جذب نرم محیط با آمادگی تغییرات ذهنی همراه است، در وضعیت فعلی کوهریگ برخی از لکه‌های این نوع جذب از سلسله‌مراتب آن حذف شده است. در وضعیت فعلی در حال حاضر نه تنها کلیت و ساختار سلسله‌مراتب جذب، با ساخت‌وسازها، تغییرات نابه‌جا و ناهمگون با بستر (تصویر ۲) و خوردگی بافت طبیعی، ارگانیک و بخشی از باغستان و مزارع (تصویر ۳)، شکسته و به‌هم‌ریخته شده، بلکه این ناهمگونی‌ها تأثیرات منفی در هویت مکان، احساس تعلقات مکانی، رفتاری و احساس رضایت درونی افراد داشته است. این ناسازگاری از کلیت ساختار طرح تا انتخاب مصالح، مبلمان و جزییات آن به‌چشم می‌خورد. پیوستگی کالبدی و ادراک فضایی و توالی قرارگاه‌های رفتاری به‌شدت کاهش یافته است. آمادگی ذهنی افراد از محیط درون‌گرای شهری در ورود به قرارگاه طبیعی برون‌گرا با تغییرات ناگهانی، ناهمگون با زمینه و شرایط حاضر با چالش منفی روبه‌رو شده است. تغییرات نابه‌جای محیطی به‌لحاظ رفتاری نیز مانع جاری شدن برخی رفتارهای فرهنگی و آیینی شهروندان شده و در برخی مواقع نوع تعامل شهروندان با کوهریگ (به‌خصوص زنان) را با اختلال مواجه کرده است. نقاط ضعف و آسیب‌های کیفی و کالبدی دیگر به‌صورت کلی چنین است: کم‌رنگ شدن منظر فرهنگی و فعالیت‌های آنان،



تصویر ۱. نمایش سلسله‌مراتب فضایی از شهر تا منظر طبیعی کوهریگ. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۲. تصویر ساخت و سازهای نابه‌جا در کوه‌ریگ، ایجاد طرح و بستر نامناسب، همچنین نقش لبه در ورود افراد به حریم‌های ذهنی و کاهش قابلیت قرارگاه رفتاری. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۳. خوردگی باغستان و مزارع و دستکاری‌های نامناسب محیطی در سال ۱۳۹۷. مأخذ: نگارنده.

است که در افزایش کیفی غنای قرارگاه‌های رفتاری، ارزیابی و طراحی محیط کارآمد است. بدین منظور به تفسیر این عوامل در شهرستان مهریز پرداخته شده است.

شناخت کیفیت محیطی بر حسب خصوصیات کالبدی محیط مهریز و ساختار فرهنگی و طبیعت شهروندان

• خصوصیات ساختار شهر مهریز
ساختار اجتماعی محلات مهریز با ورود اسلام دگرگون شده و

شهر آن تصویر ذهنی‌ای است که انسان در چارچوب ساختار شخصیتی‌اش، آگاهانه و یا ناآگاهانه از جنبه‌های خاص از واقعیت فیزیکی موجود تجربه کرده است (همان). این تصویر ذهنی فردی تنها مربوط به زمان حال نیست، بلکه با تصورات ذهنی او از گذشته و آینده ترکیب می‌شود و خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده ایجاد می‌کند (همان).

بنابراین خوانش کالبدی شهر همراه با ویژگی‌های انسانی و تصورات ذهنی آنان از مکان بیانگر نوع تعامل و رفتار آنان

محیط و کاهش عوامل تشدیدکننده درون‌گرایی فردی به‌منظور بهره‌مندی از قابلیت‌های محیطی است.

• **نحوه تعاملات شهروندان با کوهریگ در حال حاضر**
به گفته آرن نائس (Naess, 1973) مشکلات محیط زیست را می‌توان به‌صورت تغییراتی در محیط زیست، خواه محلی و خواه جهانی، و ناشی از عمل انسان یا غیر آن دید که سلامتی، آسایش، یا حتی بقا و در یک کلمه رفاه انسان را تهدید می‌کند. در هر مورد که بتوان این تغییرات را کنترل یا وارونه کرد، همه انسان‌ها دلیل کافی دارند که به‌گونه‌ای عمل کنند که از تهدید آسیب در امان باشند. نامناسب‌شدن کالبد و نگاه سطحی بی‌معنا و هدف به طرح محیط عاملی کمی است که در نتیجه می‌تواند به نامناسب‌شدن کیفیت محیط منتهی شود.

در حال حاضر تغییرات زیادی به لحاظ کالبدی و ذهنی در منظر کوهریگ شکل گرفته که دافع غنای ارتباط با آن است و باعث کاهش بهره‌وری و رفاه شهروندان شده است. یکی از این مداخلات در محدوده کوهریگ ایجاد لبه قوی جداکننده اثر از زمینه است (بنگرید به تصویر ۲). زیمل معتقد است مرز موجب شکل‌بخشی روابط بین افراد و ساخت‌های اجتماعی آنان می‌شود (به نقل از فروزنده و منصور، ۱۳۹۸، ۶۵-۷۶) و محرک در بروز یا کنترل رفتار است. افراد و به‌خصوص گروه زنان در مواجهه با مرز جداکننده کوهریگ، وارد حریم‌های ذهنی و الگوهای رفتاری و فرهنگی درون‌گرای خود می‌شوند که همراه با حالاتی چون کم‌رویی، شک در تعامل با مکان و ... است. به‌گونه‌ای که باعث توقف افراد در مجاورت لبه می‌شود. پیکره‌بندی کالبدی حاضر، یکی از مؤلفه‌های کاهنده قابلیت قرارگاه رفتاری و بهره محیطی است. آسیب دیگر توقف افراد و تجمع آنها در لبه وارد بر کالبد خود اثر طبیعی است، چنان‌که توقف زیاد افراد در لبه موجب بروز رفتارهایی دیگر مثل مصرف مواد غذایی و آلودگی ریگ‌ها شده است.

• **تقابل و تضادهای میان قرارگاه رفتاری منظر کوهریگ با رفتار شهروندان**

به‌طور کلی شخصیت افراد فعالیت و میزان استفاده آنها از محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌طوری‌که افراد برون‌گرا ارتباط بیشتری با محیط برقرار می‌کنند (لنگ، ۱۳۹۱، ۱۳۷). در این صورت نزدیک‌شدن افراد درون‌گرا به حریم‌های ذهنی‌شان باعث کاسته‌شدن ارتباط مؤثر و میزان بهره‌مندی آنان از محیط می‌شود. بنابراین هرچه عوامل تشدیدکننده بعد درون‌گرایی فرد در محیط کاهش یابد و در مقابل بتوان آنها را از حریم‌های ذهنی‌شان دور کرد قابلیت محیطی آن مکان افزایش می‌یابد. همان‌طور که بیان شد، در گذشته افراد و به‌خصوص زنان با اهداف و نگرش‌های فرهنگی-آیینی به کوهریگ مراجعه می‌کردند و با آن در تعامل بودند. ساختار کالبدی گذر مردم

نظام‌های اجتماعی براساس ریشه‌های قومی، مذهبی و ... تغییر یافته است (میراث فرهنگی مهریز یزد، ۱۳۹۳). آنچه از دیرباز تا کنون در ساختار بافت‌های محلی شهر و خانه‌ها، به دلایل شرایط اقلیمی، فرهنگی و عوامل درونی و نهادینه‌شده فردی و جمعی باقی مانده فشرده‌گی بافت، وجود محرمیت، دورن‌گرایی و باورهای مذهبی چون تفکیک جنسیتی در جمع‌هاست. به‌عنوان مثال، در ساختار کالبدی محلات و کوچه‌ها بن‌بست‌هایی است که یک واشدگی کوچک در انتهای آنها ایجاد شده است. این واشدگی‌ها محل تعاملات اجتماعی و رفتاری مردم به‌صورت درون‌گرا با افراد محلی است.

• **ساختار فرهنگی و طبیعت شهروندان مهریز**
به‌طور کلی محیط و فرهنگ دو عامل مهم شکل‌دهنده به رفتار انسان‌هاست (رایپورت، ۱۳۸۴؛ هال، ۱۳۷۶). از نگاه دانشمندان و فیلسوفان، اقلیم و طبیعت در طبع، اخلاق و نحوه رفتار و ارتباطات افراد مؤثر و عامل اولیه در شکل‌گیری فرهنگ است (نقره‌کار، حمزه‌نژاد و دهقانی تفتی، ۱۳۸۹، ۷۹-۹۶). این رفتارها و نحوه تعاملات در مکان‌های متفاوت توسط عوامل مختلف کالبدی و یا غیر کالبدی می‌تواند تشدید یا تعدیل شود (همان).

براساس اقلیم و طبیعت گرم و خشک مهریز، شهروندان دارای طبعی درون‌گرا و حالاتی چون توداربودن، گرایش به حالات درونی، و بی‌رغبتی و پرهیز از نمایش آن حالات به‌صورت تظاهرات و تعصبات هویتی هستند (معماربان، ۱۳۸۶، ۱۳). این موضوع در بررسی تعاملات و رفتار شهروندان در کوهریگ نیز مشهود بود. تمایلات کم شهروندان بومی در مصاحبه‌ها و بررسی رفتار آنان در کوهریگ نیز نشان از درون‌گرایی افراد و دیر ارتباط برقرار کردن با افراد غریبه است. از طرفی اجتناب برخی شهروندان به‌خصوص زنان از بروز بازی‌های گروهی و یا بازی در ریگ‌ها بر اثر درون‌گرایی و حریم‌های ذهنی نهادینه‌شده در رفتارشان مثل کم‌رویی و حس نامطلوب درونی در اثر دیده‌شدن از جمله عوامل نارضایتی‌های اشاره‌شده خود افراد بود. درون‌گرایی و فرهنگ نهادینه افراد، به‌عنوان مانع کیفی نامطلوب در جاری‌شدن رفتار و بهره‌مندی از محیط، حتی از نظر خود شهروندان رضایت‌بخش و مطلوب نیست. یکی از عوامل تجمع نامتوازن در پایین کوهریگ، که اغلب از گروه زنان هستند، همین موضوع است.

زنان برحسب عادت طبیعی و رفتاری نهادینه‌شده و تعصبات هویتی، هنوز دارای حریم‌های ذهنی هستند. مثلاً به‌علت تفکیک جنسیتی در جمع‌های خانوادگی و عمومی به‌راحتی نمی‌توانند در جمع عمومی و مکان برون‌گرا با رویکرد غیرمذهبی و معطوف به افزایش نشاط در مکان‌های جمعی حضور یابند و مرادوات اجتماعی داشته باشند. بنابراین با توجه به مقتضیات مکانی، نیاز به هماهنگی روحیه شهروندان با شرایط برون‌گرای

رفتاری و قابلیت محیط نقش دارد (پاک‌نژاد و لطیفی، ۱۳۹۷، ۵۱-۶۶). ساخت لبه‌های مصنوع در حد فاصل کوهریگ (بنگرید به تصویر ۲) همراه با کاربرد مصالح ناهمگون با زمینه و بوم و تمایز شدید میان دو فضا موجب چالش ذهنی شهروندان و ورود آنها به حریم‌های ذهنی با ماهیت درون‌گرا در قرارگاه رفتاری برون‌گرا می‌شود (تصویر ۴). زیرا ویژگی‌های کالبدی محیط با تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها، تعاملات اجتماعی و حس استفاده‌کنندگان (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷-۶۶) معنا و مفاهیمی خاص برای هر فرهنگ و اجتماعی را تداعی می‌کند. مرزها و لبه‌ها همراه با خردشدن و تفکیک فضایی، برای کاربر حد و مرز تعیین کرده و انعطاف‌پذیری ذهنی فضا و تطبیق‌پذیری کاربر با کالبد و قابلیت آن را کاهش داده است (همان).

اختلال در عملکردهای محیطی: مداخلات در پیکربندی محیط و ساخت‌وسازهای نابه‌جا در کوهریگ و محوطه آن باعث اختلال در عملکردهای محیطی و کاهش غنای قرارگاه رفتاری کوهریگ شده است. برای مثال ساخت مسجد (بنگرید به تصویر ۲) در محل تجمع رفتارهای آیینی زنان در کوهریگ مانع بروز رفتارهای ارگانیک و باعث جایگزینی رفتارهای تحمیلی ناموفق بدون در نظر گرفتن جریان‌های ذهنی بوده و رفتاری همراه با تعرض به حریم منظر طبیعی و تخریب ساختار کوهریگ است. در حال حاضر ساخت مسجد در آن مکان آسیب‌های کالبدی و رفتاری‌ای را در قبال عدم استفاده از مسجد به‌دنبال داشته است که در جدول ۱ نشان داده شده است.

بحث

مباحث مطرح‌شده در مبانی نظری و پیشینه تحقیق نشان داد هرچه درجه سازگاری بالاتری میان محیط کالبدی و رفتار وجود داشته باشد، محیط از کیفیت و قابلیت بالاتری در بهره‌مندی محیطی و حتی حفظ منظر طبیعی برخوردار است. برای ارتقای سازگاری میان رفتار و محیط، تبیین شخصیت منظر براساس مبانی رفتارشناسی، عوامل فرهنگی و ذهنی، نظام فعالیت‌ها، هنجارهای مبتنی بر شیوه زندگی و همچنین عوامل جغرافیایی و کالبدی بسیار اهمیت دارد. زیرا رفتار انسان محصول ادراک کاربر از محیط و تفسیر اوست. مقاله حاضر در بررسی کوهریگ هم‌سو با نتایج تحقیقات گذشته نشان داد چالش حاضر، که موجب کاهش قابلیت محیطی شده، وجود تغییرات سلیقه‌ای، ناهنجار و نامأنوس با بستر در منظر طبیعی کوهریگ بدون توجه به لایه‌های رفتاری و ذهنی است. نتایج تحقیق فعلی نشان‌دهنده وسعت تأثیرگذاری تغییرات سلیقه‌ای و مخرب است که محدوده‌ای وسیع‌تر از محوطه اثر طبیعی را در بر می‌گیرد. از این‌رو چالش دیگر مربوط به تغییرات نابه‌جای حد فاصل منظر کوهریگ تا بافت شهری، تغییرات ناگهانی، گسست‌های فضایی و عدم

از سمت شهر تا کوهریگ نیز با سلسله‌مراتبی همراه بود که حرکت در طیف تدریجی از زمینه درون‌گرا به سمت یک منظر طبیعی و برون‌گرا شکل گرفته بود. بنابراین حرکت تدریجی کالبدی به همراه اهداف آیینی مردم در کوهریگ، که مطابق با آرمان‌های ذهنی آنان است، سازگار با شرایط کیفی مناسب قرارگاه رفتاری غنی برون‌گرا برای بروز رفتارهای شهروندان (که اغلب نیز گروه زنان را شامل می‌شد) و بهره‌مندی از محیط بوده است.

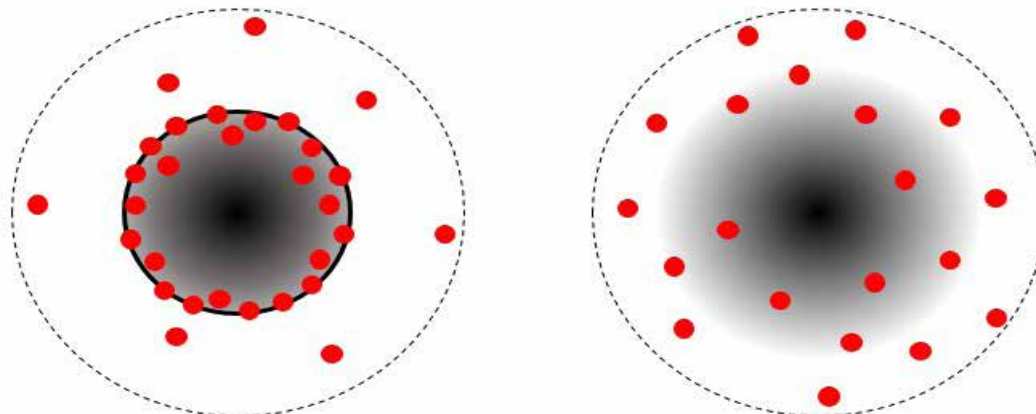
در حال حاضر، تغییرات کالبدی نامناسب در وجه عینی منظر به همراه تغییرات نگرشی مردم نسبت به کوهریگ موجب بروز حریم‌های ذهنی در قرارگاه رفتاری برون‌گرا و کاهش غنای آن شده است. در ادامه به آسیب‌شناسی کالبدی تغییرات و مهم‌ترین عوامل ایجاد یا تشدیدکننده حریم‌های ذهنی و تناقضات رفتاری با محیط پرداخته شده:

گسست‌های منظر: اهم پدیده‌های گسست در منظر کوهریگ در اثر مداخلات انسانی به هدف توسعه کمی محیط و زیرساخت‌های شهری، یا عواملی چون تصرف اراضی طبیعی، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و مزروعی به سکونتگاهی یا حذف آنها در ابعاد کالبدی صورت گرفته است. چنین تغییراتی در وجه کالبدی محیط یکپارچگی منظر، هویت و نحوه ادراک و تعاملات انسانی با محیط را به‌نحو چشمگیری تحت تأثیر قرار داده است. پیامدهای این پدیده خردشدن منظر، حذف تداوم و پیوندهای فضایی است که این مسئله موجب ضعف در ارتباط انسان با محیط شده و از قدرت تأثیر مثبت تعامل محیط بر شهروندان کاسته است.

تغییرات ناگهانی محیطی: از دیگر موارد کاهنده ارتباط فرد با محیط تغییرات کالبدی ناگهانی بدون در نظر گرفتن زمینه‌های جغرافیایی، طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و ذهنی مردم است که به‌موجب آن اختلال در ادراک محیطی، شکست درک حس محیطی و دل‌بستگی‌های مکانی، قطع سکانس‌های خاطره‌انگیز مکانی و برخی جریان‌های رفتاری ارگانیک شهروندان پدید می‌آید. چنین تغییراتی نقش بسیار کلیدی در خاطره‌زدایی شهروندان و حذف برخی لایه‌های حافظه جمعی شهر و هویت می‌شود (فدایی‌نژاد و کرم‌پور، ۱۳۸۵، ۸۲-۱۰۰) که باعث احساس غریب‌وار به‌نظر آمدن محیط می‌شود.

وجود عناصر مصنوع در تفکیک و زون‌بندی فضایی: عناصر مصنوع ناهماهنگ و متناقض با ماهیت بوم، طبیعت و خاطرات مکانی و تفکیک‌های فضایی نامطلوب موجب کاهش امنیت اجتماعی محیط، آسیب‌های زیست‌محیطی و خوردگی بستر طبیعی شده است که احساس تعلقات مکانی، کشش نرم و جذابیت آن را کاهش داده است.

نقش لبه‌های مصنوع همراه با تمایزات فضایی و مغایر با منظر بستر: ایجاد هر لبه و حریمی در عملکرد و تعیین الگوهای



تصویر ۴. چپ: تأثیر تغییرات ناگهانی و گسست منظر، وجود لبه‌های مصنوعی، تغییرات ناهماهنگ با بستر، در ادراک شهروندان و ورود افراد به حریم‌های ذهنی، پیدایش عدم توازن جمعیتی و کاهش قابلیت محیط. راست: منظر سابق. مأخذ: نگارنده.

جدول ۱. آسیب‌شناسی یک مداخله ناهنجار در منظر کوهریگ، ساخت مسجد. مأخذ: نگارنده.

آسیب‌های رفتاری و ذهنی	آسیب‌های کالبدی
قطع رفتار آیینی شهروندان	تعرض ناهنجار به حریم کوهریگ و اختلال در ادراک محیط طبیعی
ایجاد فضای ناامن اجتماعی در زمان‌های خلوت در پشت مسجد و داخل شیاری که قبلاً مکانی مقدس بوده	خوردگی و تخریب بافت طبیعی
وجود یک نماد تقویت‌کننده در بروز حریم‌های ذهنی به‌خصوص برای شهروندان زن	_____
کم‌تر شدن قداست مکان نیایش در مکان‌یابی نادرست فضای قدسی	_____

حال حاضر با ضعف روبه‌رو شده است. به تعبیری قرارگاه رفتاری برون‌گرای کوهریگ در گذشته، سازگاری بالایی با ذهنیت، رفتار و طبیعت درون‌گرای شهروندان داشته است که در حال حاضر، با تغییرات ناهنجار انسانی در منظر و وجه کالبدی آن، با اهداف توسعه کمی و همچنین تحمیل نگرش‌های جبری به آن، با کاهش قابلیت محیطی مواجه شده است.

از این حیث لازم است در محیط‌های برون‌گرای طبیعی و شهری، که شهروندان از ماهیتی درون‌گرا برخوردارند، با حساسیت بیشتری نسبت به تغییر در مؤلفه‌های کالبدی و ارتقای کمی و کیفی محیط، که در ادراک و غنای قرارگاه رفتاری مؤثرند اقدام کرد. برخی عوامل مانند تغییرات نابه‌جا در پیکره محیط، تضعیف پیوندهای فضایی، نبود کشش نرم فضایی و تغییرات تدریجی در سکانس‌های ذهنی شهروندان، تغییرات ناگهانی و نامأنوس با ماهیت زمینه، تعرض در حریم‌های منظر طبیعی و باغی (اعم از کالبدی و غیرکالبدی)، کم‌رنگ‌شدن تعلقات خاطری

توجه به ماهیت کالبدی و ذهنی زمینه در این میان است. در گذشته ارتباط کوهریگ با شهر برحسب مبانی ذهنی و رفتاری شهروندان با ساختار کالبدی ارگانیک همراه با سلسله‌مراتب فضایی و تغییرات تدریجی شکل‌گرفته بوده است. بافت طبیعی کوهریگ هم با حفظ ساختار منظر طبیعی و به‌واسطه مفصل‌های سبز و ارگانیک، در ارتباط قوی با بستر بوده که این امر موجب آماده‌سازی ذهنیت درون‌گرای شهروندان در تعامل با تغییرات محیطی مثل برون‌گرایی بوده است.

نتیجه‌گیری

کوهریگ منظر طبیعی-جمعی برون‌گرا در حاشیه شهری با ذهنیت و ساختاری درون‌گرا واقع شده است. در گذشته منظر کوهریگ، در عین داشتن ساختاری برون‌گرا و متمایز از رفتار و ذهنیت درون‌گرای شهروندان، ضمن حفظ اصالت وجودی و کالبد اثر، ارتباط و پیوندی غنی و هماهنگ با اهداف ذهنی و رفتار شهروندان داشته که در

و طبیعت، نشانه طبیعی و هویت شهر، محرک فعالیت بدنی، متفاوت، پدیده‌ای خارق‌العاده، سفید و ملایم، جذاب و خیال‌انگیز، مکان اسطوره‌ای و نمادهای آیینی، شلوغ و پرهیجان، آرام و باصفا، نشاط فردی و جمعی، دوست‌دار کودک، خاطرانگیز، محل تجمعات مردمی و تعامل و ...

فهرست منابع

- اسلام‌پور، مرمر و دانشگر مقدم، گلرخ. (۱۳۹۱). تحلیل نظریه قابلیت محیط از دیدگاه گیبسون و بازخورد آن در مطالعات انسان و محیط انسان‌ساخت. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، (۹)، ۷۳-۸۶.
- براتی، ناصر و سلیمان‌نژاد، محمدعلی. (۱۳۹۰). ادراک محرک‌ها در محیط کنترل شده و تأثیر جنسیت بر آن. باغ نظر، (۱۷)، ۱۹-۳۰.
- پاک‌نژاد، نوید و لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های محیطی بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری در فضاهای شهری. باغ نظر، (۶۹)، ۵۱-۶۶.
- دهقان، فرزانه‌السادات و منصور، سیدامیر. (۱۳۹۷). ژئوتوپ ماندگار نمونه اصیل منظر و محیط زیست طبیعی. محیط‌شناسی، (۴۴)۲، ۳۷۱-۳۵۵.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی (ترجمه فرح حبیب). تهران: پردازش و برنامه‌ریزی تهران.
- رضایی، حسین؛ کرامتی، غزال؛ مزین دهباشی، شریف و نصیر سلامی، محمدرضا. (۱۳۹۷). تبیین الگوواره‌ای فرایند روانشناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک. باغ نظر، (۶۵)، ۴۹-۶۶.
- زندی، مرجان. (۱۳۹۳). رفتارهای شهری نقاط گسست در منظر فرهنگی تهران. منظر، (۲۸)۶، ۱۸-۲۳.
- فدایی‌نژاد، سمیه و کرم‌پور، کتایون. (۱۳۸۵). بررسی سیر تحولات بافت و تأثیر آن بر خاطر‌زدایی از بافت‌های کهن. باغ نظر، (۶)۳، ۸۲-۱۰۰.
- فروزنده، محمدرضا و منصور، سیدامیر. (۱۳۹۸). تأملی بر مکان‌مندی صورت‌مندی اجتماعی در فضای شهری، بر مبنای جامعه‌شناسی فضای گئورگ زیمل. باغ نظر، (۷۳)۱۶، ۶۵-۷۶.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهندگی آن. هنرهای زیبا، (۲۶)، ۵۷-۶۶.
- لنگ، جان. (۱۳۹۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۴). سیمای شهر (ترجمه منوچهر مزینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیایی، مهدخت؛ سلطان‌زاده، حسین و حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا. باغ نظر، (۷۱)۱۶، ۶۱-۷۶.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۶). جزوه کارشناسی ارشد مبانی نظری معماری منظر، دانشگاه تهران.
- مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی، دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا، (۱۰)، ۵۲-۶۷.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۶). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گرا. تهران: سروش دانش.
- مهرشاهی، داریوش. (۱۳۷۹). آشنایی عمومی با پدیده «کوه‌ریگ» و پراکندگی جغرافیایی و اهمیت ریگ‌های استان یزد. کاوش‌نامه زبان و

شهروندان، زون‌بندی و لبه‌های کالبدی و ... باعث ورود افراد به ماهیت ذهنی درون‌گرایشان و تشدید حریم‌های ذهنی آنان می‌شود. از آنجا که افراد با گرایش‌های ذهنی درون‌گرا به دلیل موانع و حریم‌های ذهنی، توان کمتری در برقراری و تعامل مؤثر با محیط خود دارند، باید از تغییرات محیطی جهت برقراری ارتباط مؤثرتر آنان با محیط، ارتقای غنای قرارگاه رفتاری و ایجاد حداکثر سازگاری بین آنان استفاده شود. راهکارها و پیشنهادهایی که در ادامه می‌آید در حل تناقضات میان ذهنیت و رفتار افراد با محیط راه‌گشای افزایش قابلیت محیطی و غنای آن در مکان‌های مشابه است:

- در نظر گرفتن تطابق لایه‌های منظر اعم از رفتار و ارزش‌های نهادینه مردم با آثار تغییرات کالبدی محیط و تحلیل و ارزیابی کنش میان آنها با محیط؛
- اجتناب از تغییرات سلیقه‌ای و ناهنجاری که باعث اختلالات عملکردی، ناسازگاری‌های رفتاری، مغایر با ذهنیت و رفتار یا آمادگی ذهنی شهروندان، به‌مخاطره‌افتادن امنیت اجتماعی محیط و افت قابلیت‌های آن می‌شود؛
- جلوگیری از تغییرات ناگهانی در عملکرد، کارکرد و کالبد محیط و توجه به زنجیره تغییرات تدریجی و حرکات رفتاری مردم، و در مجموع عوامل مؤثر در پیوندهای ادراک و خاطرات محیط که در تقویت حس مکان و هویت آن نقش دارند؛
- اجتناب از مداخلات و ساخت‌وسازهای نابه‌جا در پیکره و حریم منظر کوه‌ریگ، تخریب و خوردگی باغستان، مزاع و بافت‌های طبیعی و در مقابل، حفظ حریم‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی، نمادین و همچنین سلسله‌مراتب‌های فضایی شهر تا منظر طبیعی کوه‌ریگ؛
- جلوگیری از گسست‌های منظرین و تعرضات بافت ارگانیک شهری، باغی و طبیعی، و حفاظت و ترمیم پیوندهای کالبدی و ذهنی خاطره‌انگیز در پیکره‌بندی شهری و تقویت مفصل‌های سبز و مؤثر در پیوند منظر طبیعی برون‌گرا با ساختار منظر شهری؛
- عدم استفاده از مصالح ناهمگون و نامأنوس با محیط و زمینه در منظر کوه‌ریگ، جلوگیری از حاشیه‌گذاری عناصر طبیعی چون اطراف کوه، و زون‌بندی فضایی در ایجاد فضاهای ناامن و تداعی حریم‌های ذهنی.

پی‌نوشت‌ها

۱. sand Ramp
۲. برخی از شبکه‌های باوری، معنایی و ذهنی مثبت نسبت به کوه‌ریگ برآمده از مصاحبات و ادراک در تجربه‌ی محیطی: تسکین دهنده جسم و خیال، آرامش‌بخش، القای نیروی مثبت و تخلیه نیروهای منفی بدن، تأمل‌برانگیز، معنویت، مقدس، تجلی قدرت خدا و درک شهودی، افزایش‌دهنده قوای فکری و تمرکز، شادی‌بخش، شورانگیز و هیجان‌انگیز، روحبخش، پیشگیری‌کننده و درمانگر و شفابخش، تقویت‌کننده قوای جسمی و روانی، نظرگاه تماشایی شهر

Philadelphia: John Benjamins Publishing.

- Dubos, R. (1965). *Man Adapting*. New Haven: Yale University Press
 - Gibson, J. J. (1966). *The Senses Considered as Perceptual Systems*. Boston: Houghton Mifflin
 - Gibson, J. J. (1979). *An Ecological Approach to Visual Perception*. Boston: Houghton Mifflin
 - Kaplan, R. & Kaplan, S. (1989). *The Experience of Nature: A Psychological Perspective*. New York: Cambridge University Press.
 - Koffka, K. (1935). *Principles of Gestalt Psychology*. New York and London: Harcourt Brace.
 - Michelson, W. (1976). *Man and His Urban Environment: A Sociological Approach, Reading*. Massachoset: Addison-Wesley.
 - Naess, A. (1973). The shallow and the deep, long-range ecology movement. *Interdisciplinary Journal of Philosophy and the Social Sciences*, 16(1), 95-100.
 - Rapoport, A. (1990). *The Meaning of the Built Environment: A Non-Verbal Communication Approach*. Beverly Hills: Sage.
 - Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- ادبیات فارسی، (۱)، ۱۱۱-۱۲۲.
 - مهرشاهی، داریوش. (۱۳۹۰). کوهریگ‌شناسی، مطالعات موردی در استان یزد. *جغرافیا و توسعه*، ۹(۲۵)، ۱۵۹-۱۷۸.
 - میراث فرهنگی مهریز یزد. (۱۳۹۳). پروژه مستندسازی بافت فرهنگی-تاریخی مهریز.
 - نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و دهقانی تفتی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع. *آرمانشهر*، (۵)، ۷۹-۹۶.
 - هال، ادوارد توییچل. (۱۳۷۶). *بعد پنهان (ترجمه منصور طیبیان)*، تهران: دانشگاه تهران.
 - Barker, R. (1974). Ecology and environment, in S. Friedman & J. B. Juhasz (Eds.), *Environments: Notes and Selections on Objects, Spaces and Behavior*. Monterey: Brooks & Cole.
 - Cassidy, T. (1997). *Environmental Psychology*. London: Psychology Press
 - Ding, W. & Lin, X. (2009). *Information Architecture: The Design and Integration of Information Space*. San Rafael: Morgan & Claypool Publishers.
 - Dror, I., Harnad, E. & Stevan, R. (Eds.) (2008). *Cognition Distributed: How Cognitive Technology Extends Our Minds*.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

دهقان، فرزانه‌السادات. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی کاهش قابلیت محیطی ناشی از تغییرات سلیقه‌ای و ناهنجار کالبدی محیط، نمونه موردی: کوهریگ مهریز استان یزد. *باغ نظر*، ۱۷(۸۳)، ۵۳-۶۲.

DOI: 10.22034/bagh.2019.184475.4097

URL: http://www.bagh-sj.com/article_105723.html

